



ISSN:2588-7033



A Study of the Performance of the Iranian Navy in World War II Emphasizing the Role of Admiral Gholamali Bayandor

Hadi Bayati^a, Reza Jahanfar^{b*}

^aAssistant Professor, Department of Islamic Theology, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran, h.bayati@umz.ac.ir

^b PhD in Sociology, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran, arta79@yahoo.com

KEYWORDS

the navy,
Gholamali Bayandor,
World War II,
the army

Received: 20 August 2022;
Accepted: 20 December 2022

Article type: Research Paper
DOR: 20.1001.1.25887033.1401.6.2.2.6

ABSTRACT

After the allies' attack on Iran—despite Iran's declaring neutrality in the Second World War—a number of military personnel and ordinary people stood up against the aggressors to defend the country and the people. Among others, we can mention many navy personnel who resisted the former Soviet aggressors in the north and the British ones in the south and who were unjustly martyred. Admiral Gholamali Bayandor was the commander of these forces. Using new documents, the current descriptive-analytical research, aims to illuminate the performance of the Iranian Navy in World War II under the command of Admiral Gholamali Bayandor against the Allies. The results of the research indicate that Gholamali Bayandor, due to the difference in taste with Reza Shah, did significant activities in the field of expelling the British from some islands of the Persian Gulf and establishing Iran's national sovereignty in the islands. On the third of Shahrivar 1320, in the attack of the allies on Iran, the Iranian navy also showed great resistance, which led to the sinking of *Stormes* and the martyrdom of Admiral Bayandor and 600 officers, non-commissioned officers and sailors.

* Corresponding author.

E-mail address: arta79@yahoo.com

2022 Published by Arak University Press. All rights reserved.





بررسی و تحلیل عملکرد نیروی دریایی ایران در جنگ جهانی دوم با تأکید بر نقش دریابان غلامعلی بایندر

هادی بیاتی^{الف}، رضا جهان‌فر^{ب*}

^{الف} استادیار تاریخ گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، h.bayati@umz.ac.ir

^ب دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران، arta79@yahoo.com

چکیده	واژگان کلیدی
پس حمله متفقین به ایران - علی‌رغم اعلام بی‌طرفی در جنگ جهانی دوم -، تعدادی از کارکنان نظامی و مردم عادی در برابر متجاوزین ایستادگی کردند تا از کشور و مردم دفاع کرده باشند. از جمله می‌توان به بسیاری از کارکنان نیروی دریایی ارتش اشاره کرد که در شمال در برابر متجاوزین شوروی سابق و در جنوب در برابر متجاوزین انگلیسی مقاومت کردند و مظلومانه به شهادت رسیدند. فرماندهی این افراد بر عهده دریابان غلامعلی بایندر بود. براین اساس، پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از اسناد جدید به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که نیروی دریایی ایران در جنگ جهانی دوم به فرماندهی دریابان غلامعلی بایندر چه عملکردی در برابر متفقین داشت؟ نتایج پژوهش حاکی از آن است که غلامعلی بایندر با توجه به اختلاف سلیقه با رضاشاه، در زمینه بیرون راندن انگلیسی‌ها از برخی جزایر خلیج فارس و تثبیت حاکمیت ملی ایران بر جزایر فوق‌فعالیت‌های چشمگیری کرد. در سوم شهریور ۱۳۲۰ نیز در یورش متفقین به ایران، نیروی دریایی ایران مقاومت زیادی از خود نشان داد که به غرق شدن ناوهای ببر و پلنگ و شهادت «دریابان بایندر» و ۶۰۰ نفر از افسران، درجه‌داران و ناویان منجر شد.	نیروی دریایی، غلامعلی بایندر، جنگ جهانی دوم، ارتش
	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۹ مقاله علمی پژوهشی

مقدمه

به‌رغم گذشت سال‌ها از سپری شدن جنگ جهانی دوم این جنگ و حواشی مربوط به آن از جمله موضوعات مورد علاقه‌ی پژوهشگران و نویسندگان جهان محسوب می‌شود. هنوز زوایای تاریکی از این واقعه تاریخی وجود دارد که بازشناسی آن وابسته به همت پژوهشگران و نویسندگان است.

بخش مهمی از وقایع جنگ جهانی دوم مرتبط به ایران است. این کشور به‌عنوان «پل پیروزی» برای متفقین آن‌قدر اهمیت داشت که رسوایی حمله به کشوری بی‌طرف را ضمیمه تاریخ خود کنند. اشغال ایران از سوی متفقین اگرچه با انفعال حکومت مرکزی ایران مواجه شد و دستور شورای عالی نظام مبتنی بر «ترک مخاصمه» را همراه داشت، از نظر مقاومت تعدادی از کارکنان نظامی و انتظامی نیروی دریایی در برابر مهاجمین و دفاع از سرزمین ایران در تاریخ نظامی ایران در آن دوره مهم است. به‌طوری‌که از پایگاه هوایی «قلعه مرغی» تا مرزبانی مرز «ارس»، از پدافند هوایی «تبریز» تا پایگاه دریایی «خرمشهر»، از «بندر انزلی» تا «بوشهر» مقاومت‌های پراکنده و خودجوش افسران، درجه‌داران و سربازان ایرانی در برابر مهاجمین بیگانه نشان دهنده‌ی میهن‌پرستی سربازان ایران و از سوی دیگر ناکارآمدی حکومت مرکزی بود. ناتوانی حکومت پهلوی اول در دفاع از کشور مسئله‌ای نیست که بتوان آن را نادیده گرفت و یا انکار کرد. در شرایط نالایقی سیاست‌مداران و فرماندهان عمده کشور، افرادی همچون شهید دریابان غلامعلی

* نویسنده مسئول

بایندر و همزمانش در نیروی دریایی ایران تلاش‌های زیادی در مقابله با دشمنان انجام دادند و در این راه نیز به شهادت رسیدند. به‌رغم اینکه غلامعلی بایندر فرمانده نیروی دریایی ایران در عصر پهلوی ایران بود، ولی به دلیل تضاد دیدگاه با رضاشاه به ویژه در مبارزه با انگلیسی‌ها و همچنین مقاومت و نبرد در برابر بیگانگان متجاوز، عملکردی جدا از پهلوی اول و سیاست‌مداران و صاحب‌منصبان نظامی آن عصر دارد. براین اساس، پژوهش حاضر با استفاده از اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و به روش تاریخی - توصیفی درصدد پاسخ به این سؤال اصلی است که نیروی دریایی ایران به فرماندهی غلامعلی بایندر در جنگ جهانی دوم چه عملکردی در مقابله متجاوزین داشت و دلایل شکست آنها چه بود؟

درباره‌ی پیشینه تحقیق باید اذعان نمود، در مورد نقش غلامعلی بایندر در تقابل با دول بیگانه و زندگانی او، اطلاعات قابل توجه و پراکنده‌ای در دسترس است. برای مثال بهمنی قاجار در اثری با عنوان «نقش نیروی دریایی و بایندر در اخراج انگلیسی‌ها از هنگام و باسعیدو» (۱۳۸۸)، نیز ضمن توجه به اخراج انگلیسی‌ها از هنگام و باسعیدو، اختلاف‌نظرهای میان رضاشاه و بایندر در مورد اخراج انگلیس‌ها از باسعیدو را مورد مطالعه ویژه‌ای قرار می‌دهد. بیات نیز در پژوهشی با عنوان «میهن به روایت غلامعلی بایندر: خلیج ایرانی فارس» (۱۳۹۴)، به نقش بایندر و نیروی دریایی در تحولات سیاسی و نظامی ایران در خلیج فارس پرداخته و به‌صورت مختصر اطلاعات پراکنده‌ای از عملکرد بایندر در جنوب ارائه می‌دهد. جهان‌فر و کرمی در اثری با عنوان «زندگی و عملکرد دریابان غلامعلی بایندر و مقاومت او در برابر تجاوز بیگانگان در جنگ بین‌الملل دوم» (۱۳۹۸)، تنها به زندگی شخصی غلامعلی بایندر و تأثیر شخص او در مقاومت برابر انگلیس در جنوب ایران به‌صورت گذرا اشاره کرده‌اند. در پژوهش دیگری میروانی و رحمانی با عنوان «بررسی عملکرد دریادار غلامعلی بایندر در تقابل با انگلیسی‌ها» (۱۴۰۰)، به تقابل و برخوردهای دریادار بایندر با انگلیسی‌ها و عملکرد وی در راستای گسترش نفوذ نیروی دریایی ایران در خلیج فارس توجه شده؛ و به زندگی سیاسی و نظامی ایشان از تولد تا فرماندهی نیروی دریایی جنوب نیز اشاره‌ای کوتاه شده‌است. اما برخلاف آثار ذکر شده، پژوهش حاضر با استفاده از اسناد جدید نه تنها به نقش برادران بایندر و نیروی دریایی ایران هم در جنوب و هم در شمال ایران در مقابله با متجاوزین انگلیسی و روسی در جنگ جهانی دوم می‌پردازد، دلایل شکست نیروی دریایی ایران در این جنگ را نیز ارزیابی و تحلیل می‌کند.

۱. مروری بر زندگی‌نامه‌ی غلامعلی بایندر

با توجه به اینکه غلامعلی بایندر به‌عنوان فرمانده نیروی دریایی ایران در جنگ جهانی دوم نقش مهم و غیرقابل انکاری دارد، در این بخش زندگی وی بررسی می‌شود.

غلامعلی فرزند دوم علی‌اکبر بایندر ملقب به دبیر دربار از سران طایفه بایندر بیجارگروس و طایفه ترکان آق‌قویونلو - بایندریه - بود که بعدها ساکن تهران شد. غلامعلی در ۲۳ آذر ماه ۱۲۷۷ هجری شمسی در تهران متولد شد. پانزده سال بعد کوچکترین فرزند پسر خانواده یدالله متولد شد. در خانواده علی‌اکبر بایندر ۵ فرزند پسر حضور داشتند. برادر بزرگ‌تر، غلامحسین بایندر که او هم از افسران تحصیل‌کرده نیروی دریایی بود، ۱۱ سال پس از شهادت غلامعلی به عنوان سومین فرمانده نیروی دریایی ایران مشغول به کار شد. سه برادر کوچک‌تر هم که از افسران برجسته ارتش ایران بودند به ترتیب عبارت بودند از: سرتیپ مهندس نصرالله بایندر (پسر سوم خانواده)، شهید سرهنگ هوایی اسدالله بایندر (پسر چهارم خانواده) و شهید نائسروان مهندس دریایی یدالله بایندر (پسر پنجم

خانواده). غلامعلی پس از اتمام تحصیلات در مدرسه دارالفنون وارد مدرسه نظام مشیرالدوله شد. در امتحانات ورود به مدرسه نظام مشیرالدوله، سیصد نفر شرکت کردند و غلامعلی بایندر به‌عنوان نفر ششم شناخته شد (خلیلی، ۱۳۲۳: ۹۱).

در آن دوره به حضور او و چندتن از صاحب‌منصبان جوان نظامی در محافل حزب دموکرات اشاره شده‌است (بیات، ۱۳۹۴: ۶۷). برابر مستندات پرونده غلامعلی بایندر، در ۷ آبان ماه ۱۲۹۶ در ارتش استخدام شد (کاظمی و البرز، ۱۳۵۴: ۶۸). در سال ۱۲۹۹ با درجه ستوان دومی از مدرسه نظام فارغ‌التحصیل و در بریگاد مرکزی مشغول به خدمت شد. بعد از سال ۱۲۹۹ و ادغام بریگاد مرکزی با دیویزیون قزاق در تعدادی از عملیات اولیه قشون جدید و متحدالشکل ایران حضور یافت (جهان‌فر، ۱۳۹۷: ۱۲۶). در اردوکاری مازندران (نبردهای نور و کجور، تنکابن و...) در سال ۱۳۰۰ شرکت کرد و اولین نشان نظامی خود را دریافت کرد. سپس با شرکت در جنگ با «اسماعیل سیمیتقو»^۱ و ابراز شجاعت در نبردهای شمال کشور، موفق به دریافت نشان ذوالفقار شد (کاظمی و البرز، ۱۳۵۴: ۶۸).

اهدای نشان ذوالفقار به ستوان دوم غلامعلی بایندر برابر بند (د) از ماده ۲ آیین‌نامه نشان ذوالفقار انجام شد. برابر این آیین‌نامه نشان ذوالفقار به «فرمانده توپخانه‌ای که با اشغال مواضع به‌واسطه آتش خود ستون دشمنی را پراکنده یا توپخانه او را در هم شکند...»، تعلق می‌گیرد. نشان درجه ۴ ذوالفقار نیز در چهارم آبان ماه ۱۳۰۱ به ستوان دوم غلامعلی بایندر اهدا شد. مراتب اهدای این نشان در ماده ۲ فرمان شماره ۴۸ ارتش و دستور لشکری شماره ۶۵ تاریخ ۴ آبان ۱۳۰۱ ثبت گردید. او در مدت کمتر از یک‌سال دو مدال نظامی دریافت کرد. حدود ۴ ماه پس از کسب مدال‌ها، به تهران منتقل شد و به عضویت کمیسیون عالی نشان ذوالفقار درآمد (خلیلی، ۱۳۲۳: ۹۵-۹۸). بعدها تا پایان خدمت خود به دلیل ابراز شجاعت و لیاقت و موفقیت در مأموریت‌ها موفق به دریافت چند مدال و نشان دیگر شد. در این نبردها از ۳ ناحیه دچار مصدومیت شد. سه زخم گلوله یکی در زانوی پای راست، دیگری در آرنج دست راست و سومین زخم در میچ دست چپ یادگار حضور در این جنگ‌ها بود (جهان‌فر، ۱۳۹۷: ۱۲۸).

او در روز یکشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۰۲ برای بهره‌مندی از دوره‌های دانشکده توپخانه «پوآتیه» به فرانسه اعزام شد و پس از طی دوره دانشکده توپخانه پوآتیه، دوره تکمیلی دانشکده «فوتن بلو» و سپس دانشگاه جنگ فرانسه را گذراند. در اول مهر ۱۳۰۴ به‌همراه نخستین کاروان دانشجویان نظامی اعزامی به فرانسه رفت و پس از چند سال با موفقیت در این دوره‌ها به ایران بازگشت. پس از بازگشت از سفر اول اروپا، در ایران به لشکر یک معرفی و به‌عنوان کفالت فرماندهی آتشبار یک کوهستانی آن لشکر انتخاب شد. در یکی از بازدیدهای رضاشاه از لشکر یکم، لیاقت و کاردانی غلامعلی بایندر توجه وی را جلب کرد و در تاریخ ۲۲ دی ماه ۱۳۰۴ بایندر را به‌عنوان آجودان مخصوص خود انتخاب کرد. البته او دوره دانشگاه جنگ فرانسه را نیز از ۱۷ تیر ماه ۱۳۰۷ و در سفر دوم خود به فرانسه طی می‌کند. این دوره تحصیلی در ۲۵ آذر ماه ۱۳۰۹ به اتمام رسید. پس از مراجعت به ایران مسئولیت معاونت هنگ اول تیپ مستقل توپخانه کوهستانی پادگان مرکز برعهده گرفت (خلیلی، ۱۳۲۳: ۱۰۴).

در مجموع در دوران خدمتش دوره‌هایی را در دارالفنون، کلاس مهندسی دارالفنون، مدرسه نظام وزارت جنگ، مدرسه توپخانه پوآتیه فرانسه و دانشگاه جنگ فرانسه گذراند. غلامعلی بایندر به زبان فرانسوی تسلط کامل داشت و توانایی سخن گفتن با زبان‌های انگلیسی و ترکی را نیز داشت. وی در طول ۲۰ سال و ۹ ماه و ۲۶ روز خدمت در ارتش تا زمان شهادت، بارها به‌دلیل رشادت،

^۱ لشکرکشی بر ضد کردهای شورشی شکاک به رهبری اسماعیل سیمیتقو در ۱۳۰۱. منطقه شورش سیمیتقو، بخش غربی دریاچه ارومیه، شهرهای سلماس، ارومیه، مهاباد و... بود. تعداد شورشیان حدود ۴۰۰۰ نفر بود (کاظمی و البرز، ۱۳۵۴: ۶۸). برای آگاهی بیشتر از شورش اسماعیل سیمیتقو بنگرید به: (مکی، ۱۳۵۹: ۱۱۰/۲؛ بهار، ۱۳۷۱: ۲۶۵/۱؛ مستوفی، ۱۳۸۴: ۵۱۷/۳).

کسب فتوحات جنگی و... مورد تشویق و تقدیر قرار گرفت. از ۶ شهریور ۱۳۱۰ به عنوان کفیل فرماندهی قوای بحریه جنوب انجام وظیفه کرد. پیش از این وی مسئولیت کفالت فرماندهی فوج اول توپخانه کوهستان، فوج سه، نمایندگی کمیسیون صنفی توپخانه در کمیسیون دائمی مالی و مباشرتی کل قشون و... را برعهده داشت. در آن زمان تعداد نفرات جمعی نیروی دریایی در جنوب حدود ۲۰۰ نفر بود که به تدریج به این تعداد افزوده شد (ر.ک: ماعا، ۱۳۲۰ ش، کد، ۵-۵۴۴، ش ۶۹؛ جهان‌فر، ۱۳۹۷: ۱۳۲).

غلامعلی بایندر روابط خوبی با رضاشاه نداشت، به طوری که اختلاف سلیقه و نظر غلامعلی بایندر با رضاشاه تا آنجا گسترش یافت که رضاشاه در دوم فروردین ۱۳۱۲ طی فرمانی ابراز نمود: «یاور بایندر را قابل خدمت مهمی که به او رجوع شده است نمی‌بینم. ارکان حرب یک نفر آدم کارکن و وظیفه‌شناس برای انتصاب به ریاست یا تصدی بحریه جنوب در نظر بگیرد» (ر.ک: ام‌تاجا، ۱۳۲۰، ش ۸۷، ک ۴-۱۰۵۶: ۶)

پس از ابلاغ دستورات رضاشاه که نشان‌دهنده نارضایتی وی از شخص غلامعلی بایندر و همچنین تصمیم او برای ازدواج با سایکس بود، مقدمات برکناری بایندر فراهم شد. در ششم فروردین ۱۳۱۲ از سوی وزارت جنگ ۹ نفر برای عهده‌دار شدن مسئولیت نیروی دریایی به رضاشاه پیشنهاد شد. قصد رضاشاه این بود که سرتیپ عبدالرضا خان افخمی را جایگزین وی کند که این مسئله بعدها منتفی شد. در واقع پیشینه خدمتی و راستی و درستی غلامعلی بایندر منجر به این شد که باز هم مناسب‌ترین گزینه برای فرماندهی نیروی دریایی، خودش باشد (جهان‌فر، ۱۳۹۷: ۱۴۲). در نهایت دستور داده شد: «... عجالتاً که یک تذکراتی به بایندر داده شده است. اگر مؤثر واقع نشد باز بالنسبه سرهنگ غلامعلی خان انصاری که صاحب‌منصب تحصیل کرده است، برای این کار مناسب‌تر است» (ر.ک: ام‌تاجا، ۱۳۲۰، ش ۴۸، ک ۷-۱۰۹۸: ۸۷).

۲. بررسی اقدامات بایندر در نیروی دریایی ایران

- آزادسازی بندر باسعیدو و پایین کشاندن پرچم انگلیسی‌ها توسط نیروی دریایی ایران

یکی از مهمترین اقدامات نیروی دریایی ایران به فرماندهی دریابان غلامعلی بایندر، آزادسازی بندر باسعیدو^۲ جزیره قشم از وجود انگلیسی‌ها و پایین کشاندن پرچم انگلیس و به اهتزاز درآوردن پرچم ایران بود. تا سال ۱۳۰۷ ه.ش انگلیسی‌ها در جزایر ایرانی خلیج فارس نظیر هنگام، ابوموسی، تنب بزرگ، تنب کوچک، بحرین و قشم (بندر باسعیدو) حضور داشتند. در این سال نیروی دریایی ایران به جزیره هنگام رفت و حاکمیت ایران بر این جزیره را تثبیت کرد. حضور نیروهای ایرانی با مخالفت نظامیان انگلیسی‌ها همراه بود. در مرداد ماه سال ۱۳۱۲ نیروی دریایی ایران به دستور غلامعلی بایندر، ناو پلنگ را به بندر باسعیدو جزیره قشم اعزام کرد و با پایین کشاندن پرچم انگلستان، پرچم ایران را در این بندر به اهتزاز درآورد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۴۸: ش ۱۲۸۷۷). اگرچه این اقدام بایندر - برخلاف بازپس‌گیری جزیره هنگام که با حمایت ارکان حرب و دولت وقت بود- با سرزنش ستاد ارتش و یا (ریاست ارکان حرب آن زمان) و رضاشاه مواجه شد، جایگاه و محبوبیت ایران در ساکنان جنوب خلیج فارس ارتقاء یافت (رسایی، ۱۳۵۴: ۴۳۵). چون تغییر احساسات مردم جنوب خلیج فارس به ضرر انگلیسی‌ها بود، این اقدام منجر به اعتراض

^۲ پایگاه باسعیدو در سال ۱۲۳۴ ش/ ۱۸۱۹ م، بنا به توصیه «سر ویلیام گرانت گر» فرمانده نیروی دریایی انگلیسی، به دستور نایب‌السلطنه هندوستان ایجاد شد. این پایگاه اگرچه در ظاهر برای مبارزه با دزدان دریایی و مبارزه با برده فروشی ایجاد شد ولی تا سال ۱۸۲۲ م/ ۱۲۳۷ ه.ق عملاً از آن برای سرکوب اعراب عربستان و محو کردن نیروی دریایی بازرگانی ایران استفاده می‌کردند. پایگاه باسعیدو تا سال ۱۳۱۲ ه.ش در دست انگلیسی‌ها بود تا اینکه در این سال پرچم انگلیسی‌ها از این بندر پایین آورده شد (یغمایی، ۱۳۵۵: ۳۶۶).

شدید دولت انگلستان شد. رضاشاه در تلاش بود با اقدامات و چانه‌زنی‌های سیاسی انگلیسی‌ها را متقاعد به خروج از جزایر ایرانی کند. ولی غلامعلی بایندر که ناامید از نتیجه‌گیری از اقدامات سیاسی بود، با صراحت کلام و عمل بیشتر سعی در اخراج انگلیسی‌ها داشت (جهان‌فر، ۱۳۹۷: ۱۴۳). البته پیش از این، غلامعلی بایندر که در آن زمان دارای درجه «یاور» (سرگرد) بود از طریق مکاتبه با «ارکان حرب قشون» درخواست کرده بود به‌وسیله‌ی مکاتبه با وزارت خارجه‌ی انگلیس از انگلیسی‌ها خواسته شود از به‌کارگیری پرچم انگلستان در جزیره قشم و بندر باسعیدو خودداری کنند. چون پی‌گیری این اقدامات سیاسی و رایزنی بی‌نتیجه بود، یاور غلامعلی بایندر به این نتیجه رسید که اقدام صریح نظامی نیاز است (ر.ک: امتاجا، ۱۳۲۰، ش ۹۸، ک ۱۰۴۳۵-۷: ۸؛ جهان‌فر، ۱۳۹۷: ۱۳۶).

تضاد دیدگاه بین رضاشاه و غلامعلی بایندر پس از اخراج انگلیسی‌ها از باسعیدو بیش از پیش مشخص شد. توییح غلامعلی بایندر توسط ارکان حرب و رضاشاه و ممانعت از ادامه اخراج انگلیسی‌ها منجر به این شد که بحرین همچنان در اختیار انگلیسی‌ها بماند (بهمنی قاجار، ۱۳۸۸: ۸۱-۸۲). در صورتی که در مسیر اقدامات ابتکاری و صریح غلامعلی بایندر سنگ‌اندازی و مخالفت نمی‌شد، چه بسا بحرین نیز از اشغال انگلیسی‌ها خارج می‌شد و بساط مکر و حيله‌ی منجر به جدایی بحرین نیز هرگز گسترده نمی‌شد.

رضاشاه در شهریور ۱۳۱۲ ه.ش صراحتاً دستور داد که غلامعلی بایندر از مداخله در نقاطی که انگلیسی‌ها علائم و ابنیه دارند پرهیز کند و وضعیت تعرضی اتخاذ نکند. بهانه این دستور مذاکرات با انگلیسی‌ها بود. این دستور رضاشاه توسط ارکان حرب قشون به غلامعلی بایندر ابلاغ شد (همان: ۹۰).

عدم حمایت رضاشاه و دولت وی از اقدام میهن‌دوستانه‌ی بایندر به اینجا ختم نشد؛ بلکه حتی به انگلستان اعلام شد که این اقدام بایندر بدون هماهنگی دولت ایران بود و محمدعلی فروغی وزیر وقت امور خارجه ایران نیز در چهارم شهریور ۱۳۱۲ ه.ش به سفیر انگلستان در ایران گفت: «اقدام صاحب‌منصبان بحریه دولت شاهنشاهی با اجازه دولت علیه نبوده و دولت علیه آن را رد کرده است...» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۲: ش ۲۰۰۱)

اقدامات غیرعقلانی و به دور از منافع ملی دولت وقت ایران منجر به جسارت بیشتر انگلیسی‌ها و بازگشت آنها به باسعیدو شد و حتی فراتر از آن بیانیه‌ای توسط انگلیسی‌ها در بحرین صادر شد، مبنی بر اینکه دولت ایران از رفتار صاحب‌منصبان خود در باسعیدو ابراز تأسف کرده است (همان). بایندر با اخراج انگلیسی‌ها ابهت پوشالی آنها در خلیج فارس را به سخره کشید و احتمال الگو گرفتن مردم سرزمین‌های جنوب خلیج فارس از این حرکت بایندر و به خطر افتادن تمام منافع انگلیس منجر به این شد که بیانیه‌ی موصوف توسط انگلیسی‌ها صادر شود. این بیانیه که نشان‌دهنده ضعف دولت ایران در برابر انگلیسی‌ها بود منجر به بروز واکنش و تکذیبیه‌ی ناکارآمد توسط دولت ایران شد. بعدها ارکان حرب قشون بایندر را متهم کرد که تحت تأثیر تحریک مستشاران فرانسوی و ایتالیایی قرار گرفته است که البته بایندر این اتهام را نپذیرفت. غلامعلی بایندر معتقد بود که اقدامات وی براساس موازین حقوق بین‌الملل و مبتنی بر احساسات سربازی و بدون دخالت عناصر خارجی بوده و دولت انگلستان حق هیچ‌گونه اعتراضی در این خصوص نداشته است. برابر نظر غلامعلی بایندر علت اصلی اعتراض و مخالفت انگلیس به نیروی دریایی ایران، تغییر احساسات و روحیه‌ی مردم سرزمین‌های جنوب خلیج فارس به زیان انگلیس و به سود ایران بود (بهمنی قاجار، ۱۳۸۸: ۹۲-۹۸). تاریخ به رضاشاه ثابت کرد که خوش‌بینی وی و سیاست مداران ناکارآمد به مذاکره با انگلستان نتیجه‌ای جز ادامه‌ی اشغال برخی از جزایر ایرانی و حتی تحقیر ملی ایرانیان نداشت و در صورت حمایت از بایندر، جزایر ایرانی به‌ویژه بحرین به آغوش کشور بازمی‌گشت. حقارت دولت ایران تا

آنجا امتداد یافت که انگلیسی‌ها ادعای مالکیت بر باسعیدو را کردند و مدیر گمرک که نماینده دولت ایران بود را بازداشت کردند (ماعا، ۱۳۲۰ش، ک ۱۴۳-۳، ش ۶۰۶: ۷؛ جهان‌فر، ۱۳۹۷: ۱۳۶).

- کمیسیون رفع اختلاف ایران و عراق بر سر اروندرود

همسایگان غربی ایران در میان بهانه‌های مختلف، همواره یک بهانه ثابت برای اختلاف با ایران داشتند. اروندرود فصل مشترک تمام این بهانه‌ها در مقاطع مختلف تاریخی به‌شمار می‌رود. عمده‌ی این اختلافات تحت تأثیر استعمارگران به ویژه انگلیسی‌ها رخ داده است. آخرین قرارداد بین ایران و پادشاهی عثمانی در دوران پیش از استقلال عراق و پروتکل ۱۲۹۲ه.ش/ ۱۹۱۳م و تحدید حدود ۱۹۱۴م منعقد شد (جعفری ولدانی، ۱۳۹۲: ۸۶-۸۷).

طی این قرارداد آبراه اروند از دهانه آن و به طول ۸۱ کیلومتر به دولت عثمانی واگذار شد و ورود اتباع ایرانی به این آبراه به معنای ورود به خاک عثمانی تلقی می‌شد. پس از استقلال دولت عراق و به رسمیت شناختن آن توسط ایران، طی یادداشتی به جامعه ملل و دولت عراق اعلام شد که قراردادهای منعقد شده با دولت عثمانی فاقد اعتبار است. پس از این اعلام نظر، روابط ایران و عراق به سمت تیرگی و بحران پیش رفت. مذاکرات ایران و عراق بر سر اروندرود آغاز شد. دولت انگلیس که نقش عمده‌ای در استقلال عراق داشت، برای حفظ منافع خود در هندوستان و ادامه تسلط بر خلیج فارس یک افسر انگلیسی را به‌عنوان رئیس بندر بصره منصوب کرد (ر.ک: مجله خواندنی‌ها، ۱۳۵۳: ۲۶)؛ و زمینه حضور وی در جلسات متشکله بین ایران و عراق فراهم شد. این افسر انگلیسی با به دست آوردن امتیاز حاکمیت مشترک بر اروندرود توسط ایران مخالفت می‌کرد. در نتیجه عهدنامه جدیدی که باز هم در آن تأثیرگذاری انگلیسی‌ها بر روی اروندرود کاملاً مشخص بود در سیزدهم تیرماه ۱۳۱۶ه.ش/ ۱۹۳۷م، بین ایران و عراق منعقد شد (مهدوی، ۱۳۹۸: ۱۳۲-۱۴۳؛ سیاست روابط ایران و عراق به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰).

در این عهدنامه خط تالوگ (خط عمیق رودخانه) در بخش کوچکی از مسیر اروندرود در مقابل بندر آبادان به‌عنوان مرز مشترک تعیین شد و بقیه خط مرزی در ساحل ایران در نظر گرفته شد. همچنین توافق شد که ظرف مدت یک سال قراردادی برای تشکیل اداره مشترک اروندرود بین ایران و عراق تنظیم شود و به امضای طرفین برسد. رضاشاه پس از پذیرش عهدنامه و برای اینکه امتیاز بیشتری را از دست ندهد، طی حکمی غلامعلی بایندر- فرمانده وقت نیروی دریایی- را به‌عنوان نماینده دولت ایران در امور دریایی به وزارت امور خارجه معرفی کرد (ر.ک: ام‌تاجا، ۱۳۲۰، ش ۸۹، ک ۲۱۳-۳: ۴).

غلامعلی بایندر با بررسی تخصصی طرح پیشنهادی وزارت امور خارجه که در ۱۷ ماده تنظیم شده بود، با اعمال تصحیحات در ۱۱ ماده‌ی آن طرح جدیدی را به وزارت امور خارجه ارسال کرد؛ که در نهایت ۸ مورد از نظرات اعلامی بایندر مورد پذیرش وزارت امور خارجه واقع شد و طرح نهایی دولت ایران تدوین شد. بایندر در زمان تصدی مسئولیت فرماندهی نیروی دریایی، قاطعانه در برابر اعمال حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود ایستاد؛ و در مواردی هم که وزارت خارجه سعی در تلطیف برخوردهای او داشت، اظهار می‌کرد: «نباید اجازه دهید که دولت عراق در کارهای ساحلی ایران مداخله کند و حق حاکمیت ایران بر اروندرود را نادیده بگیرد» (ماعا، ۱۳۲۰ش، ک ۱۴۳-۳، ش ۶۰۶: ۸۶؛ جهان‌فر، ۱۳۹۷: ۱۳۶).

- شناساندن فرهنگ و ساختار نیروی دریایی

یکی از مشکلات غلامعلی بایندر در زمان فرماندهی نیروی دریایی، عدم شناخت مردم و حتی نظامیان نسبت به فرهنگ و ساختار و حتی درجات و لباس نیروی دریایی بود. این مسئله منجر به این شده بود که در مواردی نظامیان درجات پایین‌تر وظایف

خود از جمله احترامات نظامی را به جای نیاورند. برابر آیین‌نامه‌ی لباس ارتش در آن زمان، پنج نوع لباس برای کارکنان نیروی دریایی ارتش پیش‌بینی شده بود. این پنج نوع لباس عبارت بود از: لباس تمام رسمی، لباس نیمه‌رسمی، لباس شب و میهمانی، لباس خدمت و لباس مخصوص کار برای افسران فنی (وزارت جنگ، ۱۳۱۸: ۲۴).

انواع این لباس‌ها برای برخی افراد ناشناخته بود. مکاتبات غلامعلی بایندر برای رفع این مشکل تأثیرگذار بود و در اواخر دوران مسئولیت غلامعلی بایندر در نیروی دریایی، تقریباً لباس و درجات و حتی ساختار و فرهنگ نیروی دریایی برای بسیاری از افراد شناخته شده بود (خلیلی، ۱۳۲۳: ۱۱۰-۱۱۵).

همچنین غلامعلی بایندر با توجه به اقامت چند ساله در کشورهای اروپایی به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، ایتالیایی و ترکی تسلط داشت و به این زبان‌ها به خوبی تکلم می‌کرد. وی با مطالعه و تسلط بر امور سیاسی و نظامی و تاریخی به‌ویژه درباره‌ی خلیج فارس چندین جلد کتاب نوشت. برخی از پژوهش‌ها و مکتوبات غلامعلی بایندر برای بهبود وضعیت نیروی دریایی ایران عبارتند از: کتاب نقشه خلیج فارس (تهران، ۱۳۱۰ ه.ش)، کتاب خلیج فارس (خرمشهر، ۱۳۱۷ ه.ش)، کتاب جغرافیای خلیج فارس (تهران، ۱۳۱۹ ه.ش)، کتاب اصول دریانوردی، کتاب آیین‌نامه‌های توپخانه در ۶ جلد و کتاب راهنمای ناوی؛ و همچنین تألیف مقالاتی در مجله ارتش، تألیف آیین‌نامه مشق پای توپ کوهستانی از آثار او است (جهان‌فر، ۱۳۹۷: ۱۵۸-۱۵۹؛ امتاجا، ۱۳۲۰، ش ۴۳، ک ۱۰۱-۸۷: ۶).

- تلاش برای تشکیل نیروی دریایی نوین ایران

غلامعلی بایندر در درجه سرگردی و در سال ۱۳۱۰ ه.ش مسئولیت فرماندهی هنگ توپخانه لشکر یک مرکز را عهده‌دار بود. در آن سال از وی خواسته شد که برای طی دوره آموزشی دریایی همراه با ۲۰۰ نفر دیگر به ایتالیا برود. این سفر مقدمه تشکیل نیروی دریایی نوین ایران بود. این گروه پس از پایان دوره آموزشی به همراه ناوهای خریداری شده جدید به کشور بازگشت. از این پس ناوهای ایرانی با اقتدار در خلیج فارس و دریای عمان به انجام مأموریت‌های خود پرداختند. یکی از اولین مناصب رسمی غلامعلی بایندر مسئولیت کفالت نیروی دریایی جنوب در سال ۱۳۱۰ ه.ش بود (ر.ک: امتاجا، ۱۳۲۰، ش ۹۹، ک ۳۱۲۲-۳۰۳: ۸۷: ۴). او در ۱۳۱۲ ه.ش بندر باسعیدو در جزیره قشم را از وجود اشغالگران انگلیسی پاک می‌کند و پرچم انگلیس در این جزیره را پایین می‌آورد و پرچم ایران را برافراشته می‌کند. اما انگلیس و حکومت مرکزی این رشادت غلامعلی بایندر را با سرزنش و اتهامات گوناگون پاسخ می‌دهند. افزایش تسلط و تقویت حاکمیت ایران بر اروندرود از دیگر نتایج حضور غلامعلی بایندر در خلیج فارس بود. وی همچنین نمایندگی ستاد ارتش و معاونت کمیسیون تحدید حدود ایران و عراق را عهده‌دار بود. در سال ۱۳۱۵ ه.ش غلامعلی بایندر به‌عنوان اولین فرمانده نیروی دریایی نوین ایران به درجه ناخدا یکمی (سرهنگی) ارتقاء یافت و چهار سال بعد به درجه دریاداری (سرتیپی) رسید. شهید غلامعلی بایندر ۲ روز قبل از شهادت علاوه بر مسئولیت فرماندهی نیروی دریایی، به‌عنوان فرماندهی کل منطقه جنوب خوزستان معرفی شد و تیپ مستقل مرزی را تحت امر خود درآورد (امتاجا، ۱۳۲۰، ش ۸، ک ۱۷۸-۷۷: ۱۶؛ ماعا، ۱۳۲۰، ش ۱-۱۲۰، ش ۷۶۵: ۱۰).

- نیروی دریایی ایران در جنگ جهانی دوم

نیروی دریایی ایران در سال ۱۳۲۰ ه.ش در شمال و جنوب کشور، در مجموع دارای ۱۵ فروند ناو و ناوچه و ۲۰ فروند کرجی به شرح زیر بود:

نیروی دریایی در شمال شامل ارکان نیرو مشتمل بر ستاد فرماندهی، امور اداری، مستحفظان، تعمیرگاه و بهداری و یکان‌های

شناور (ناوچه‌های ۶۰ تنی بابلسر، سفیدرود و گرگان، ناوچه ۷۰ تنی نهنگ، کشتی شهباز، کرجی‌های مسلح رامسر و نوشهر، کرجی‌های شماره ۱ و ۲ موتوری، کرجی موتوری آتش‌نشانی) بود. نیروی دریایی در جنوب نیز شامل این موارد بود: ارکان نیرو (دربرگیرنده ستاد فرماندهی، بهداری و آموزشگاه میناوی)، کشتی یدک‌بر، حوض شناور، تعمیرگاه ثابت، تعمیرگاه متحرک، دو فروند نفت‌کش، بنگاه فانوس‌های دریایی، مراکز چهارگانه تدارکات بندر، اداره بندری خزعل آباد، اداره بندری بندر شاهپور، یکان‌های شناور، ناودسته یکم (شامل ناو ۹۵۰ تنی ببر، ناوهای ۳۳۰ تنی شهباز و سیمرخ) ناودسته دوم (شامل ناو ۹۵۰ تنی پلنگ، ناوهای ۳۳۰ تنی کرکس و شاهرخ)، ناودسته سوم (شامل ارکان دسته ساحلی در خرمشهر، دو گروهان تفنگدار دریایی برای دفاع از جزایر مرکزی، ناوچه شاهین، کرجی‌های چلچله، کارون، کهنه، چنگر، کرجی سوار فرماندهی، دو فروند کرجی خلیج‌پیما و کشتی یدک‌بر ۲۷۵ تنی. در خصوص نیروهای زمینی مستقر در منطقه ذکر این نکته ضروری است که برابر پیشنهاد فرمانده لشکر ۶، فرماندهی نیروهای زمینی مستقر در منطقه که تا پیش از این بر عهده سرهنگ نخجوان بود، به «ناخدا غلامعلی بایندر» محول شد و سرهنگ نخجوان به‌عنوان معاون وی انجام وظیفه می‌کرد. یکان‌های زمینی مستقر در منطقه در آن زمان عبارت بودند از: هنگ آبادان، گردان پل نو، نیروهای مرزی معابر خرمشهر، گروهان‌های قصبه و خسروآباد، گروهان ۷ بریم و گروهان‌ها و نیروهای بوارده و جیرفت (قدیمی، ۱۳۲۶:۱۲۳؛ خلیلی، ۱۳۲۳:۵۹).

در سال ۱۳۲۰ه.ش متفقین به ایران حمله کردند. در وقایع شهریور ۱۳۲۰ بیشتر شناورهای نیروی دریایی - از جمله ناوهای ببر و پلنگ - در جنوب در مواجهه با نیروی دریایی انگلیس نابود و غرق شد (بهارلو، ۱۳۴۴: ۴۴). ناوهای سیمرخ، شاهین، کرکس و شهباز که به علت نیاز به تعمیرات در بندر شاهپور مستقر بود، توسط انگلیسی‌ها به غنیمت گرفته و در واقع ربوده شد. در شمال نیز مهاجمین شوروی سابق بیشتر شناورها را به‌عنوان غنیمت به بنادر خود در شمال دریای مازندران منتقل کردند و تا سال‌ها بعد از تحویل آنها به ایران امتناع کردند (ر.ک: مراسم، ۱۳۲۶: ش ۳۴، ۴، ۸؛ قدیمی، ۱۳۲۶: ۱۲۷؛ عاقلی، ۱۳۷۷: ۵۵۲).

در سوم شهریور ۱۳۲۰ه.ش در یورش متفقین به ایران، نیروی دریایی مقاومت قهرمانانه‌ای از خود نشان داد که منجر به غرق شدن ناوهای ببر و پلنگ و تعدادی از ناوچه‌ها و شهادت «دریابان بایندر» فرمانده نیروی دریایی و ۶۰۰ نفر از افسران، درجه‌داران و ناویان شد (قدیمی، ۱۳۲۶: ۱۲۳).

در سال ۱۳۲۵ه.ش بعد از جنگ جهانی دوم و ملاقات سران متفقین در تهران و شناسایی ایران به‌عنوان پل پیروزی، دو فروند ناو به‌منظور غرامت ناوهای ببر و پلنگ به ایران داده شد و نیروی دریایی ایران با داشتن ناوهای شاهرخ، شهباز، سیمرخ، کرکس و چند فروند یدک‌کش به همراه باقی‌مانده‌ی کارکنان مجدداً پا گرفت. با افزایش درآمدهای نفتی ایران و عضو شدن ایران در پیمان سنتو، پاسداری از خلیج فارس و دریای عمان و شمال اقیانوس هند به ایران سپرده شد. نیروی دریایی به‌سرعت توسعه یافت و دانشجویان دریایی به اقصی نقاط دنیا اعزام شدند (همان).

۳. پیامدهای تشکیل نیروی دریایی نوین ایران

تشکیل و راه‌اندازی نیروی دریایی نوین در ایران دارای تأثیر مستقیم بر امنیت ملی و اثرگذاری منطقه‌ای در سطح منطقه خاورمیانه بود. ایران همچون برادر بزرگتر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس صاحب نیرویی شده بود که توان کنترل خلیج فارس را به دست آورده بود. برخی از پیامدهای جالب توجه تشکیل و راه‌اندازی نیروی دریایی نوین ایران به شرح زیر عبارتند از:

الف) به پایین کشاندن پرچم انگلیس در پایگاه باسعید و جزیره قشم و خاتمه دادن همیشگی به تسلط نیروی دریایی انگلیس در جزایر قشم و هنگام و اعلام حاکمیت ایران بر این جزایر که قسمتی از خاک ایران بودند.

ب) دولت ایران موفق شد به وسیله نیروی دریایی و با به اهتزاز درآوردن پرچم ایران در آبهای خلیج فارس و دریای عمان، نفوذ و حاکمیت خود بر آن مناطق را که از دوره افشاریه به بعد از دست داده بود، مجدداً به دست آورد.

پ) امورات بندری بنادر تحت اصول منظم و مرتب و طبق قواعد و مقررات بین‌المللی به‌اجراء گذاشته شد؛ و از وسایل نقلیه آبی اتباع ایران که سالیان متمادی تحت قیود و مقررات بندری بیگانگان بودند و حتی اجازه نداشتند پرچم ملی ایران را در مواقع دریانوردی در خلیج فارس برافرازند، حمایت شد؛ و از اجحافات دوایر بندری بیگانه نسبت به آن‌ها جلوگیری شد.

پ) از ورود غواصان کشورهای بیگانه که به‌طور قاچاق در اطراف جزایر ایران، مروارید صید می‌کردند ممانعت شد (فقیهی، ۱۳۸۹: ۱۷۴-۱۷۵).

۴. سوم شهریور ۱۳۲۰ه.ش و آغاز تهاجم دریایی به ایران

پس از حمله آلمان به شوروی در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱م/ ۱ تیر ۱۳۲۰ه.ش، این کشور وارد گروه متفقین شد. در این هنگام شوروی در مقابل حملات ارتش آلمان به اسلحه، مهمات و دارو نیاز ضروری داشت. انگلستان نیز به دنبال راهی برای حمل کالاهای مورد نیاز ارتش شوروی بود. در ۱۷ ژوئیه ۱۹۴۱م، درباره‌ی حمله به ایران میان نمایندگان انگلیس و شوروی توافق و هماهنگی ایجاد شد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۳۱۵: ۵۷؛ مهدوی، ۱۳۹۸: ۴۰۲). باوجود این‌که نخست وزیر ایران محمود جم طی اعلامیه‌ای بی‌طرفی خود را در این جنگ اعلام کرده بود، در اواسط تابستان ۱۳۲۰ه.ش نیروهای نظامی شوروی سابق در حال آمادگی برای انجام یک حمله تمام‌عیار به ایران بودند (تاج‌عینی، ۱۳۸۵: ۷۱). این رویدادها در حالی شکل می‌گرفت که در زمستان ۱۳۱۹ه.ش رضاشاه و ستاد عالی جنگ ایران در حال مهیا شدن برای دفاع از مرزهای شمالی در برابر حمله احتمالی بودند و در همان زمان طرح عملیاتی ستاد فرماندهی شوروی برای حمله به ایران تکمیل شد (نوری، ۱۳۹۴: ۳۱).

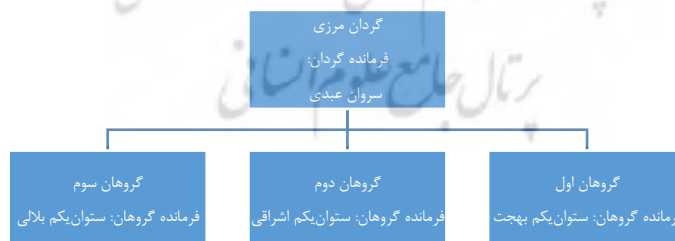
در آن مقطع تاریخی تعدادی از کشتی‌های جبهه متحدین (آلمان و ایتالیا) به بندرهای ایران پناه آورده بودند. انگلیسی‌ها خواستار اخراج آنان یا تحویل به نیروی دریایی انگلیس بودند که البته ایران به‌عنوان کشور بی‌طرف، خود را ملزم به حفاظت از آنان می‌دانست. در سوم شهریور ۱۳۲۰ه.ش نیروهای ارتش شوروی از شمال کشور و نیروهای بریتانیایی از جنوب و غرب، از زمین و آسمان به ایران حمله کردند و شهرهای سر راه را اشغال کردند و به سمت تهران آمدند. در این دوره حمله به بنادر جنوب (شاهپور، آبادان، خرمشهر و بوشهر) و نیروی دریایی ایران با پرتاب یک موشک سبز رنگ از ناو انگلیسی در اروندرود که نشانه شروع جنگ بود، آغاز شد (یوسفی، بی‌تا: ۲۴۹). «در واقع ابتدا از طرف کشتی لورنس و کشتی‌های جنگی انگلیس در آبادان، دو موشک سبز رنگ که در حقیقت اعلان خطر بود به هوا رفت. در همان لحظه چراغ‌های برق مؤسسات شرکت نفت خاموش شد و تلفن‌های پادگان ایران در آبادان که از سیم‌های شرکت نفت استفاده می‌کرد از کار افتاد؛ و ارتباط پادگان با تمام نقاط و با مرکز لشکر در اهواز قطع گردید؛ و این عامل بسیار مهمی برای برهم‌خوردگی و عدم انتظام بود، زیرا هیچ‌گونه گزارش تلفنی یا تلگرافی یا بی‌سیم از فرماندهی نیروی دریایی جنوب و یا فرمانده نیروی پیاده نرسید» (قدیمی، ۱۳۲۶: ۱۲۳). در همان لحظات اول حمله متفقین به ایران، سفیر کبیر شوروی و وزیر مختار انگلیس در منزل علی منصور، نخست وزیر حاضر شدند و طی یادداشتی حمله قوای خود را به کشور ایران اعلام کردند.

پس از حمله غافلگیرانه متفقین در ساعت ۰۴:۰۰ روز سوم شهریور ۱۳۲۰ ه.ش و نقض بی طرفی ایران، به نیروی دریایی جوان ایران حمله شد و متفقین با توپخانه خود، ناوهای ایرانی را مورد تهاجم قرار دادند. در شمال ایران و دریای مازندران، نیروی دریایی شوروی با هشت فروند رزمناو، ناوگان کوچک نیروی دریایی ایران را مورد تهاجم قرار داد و هم‌زمان ناوهای انگلیسی به بنادر خرمشهر، آبادان و شاهپور (بندر امام) حمله کردند. ناوهای جنگی بریتانیا به ساحل خرمشهر نزدیک شدند و با یک حمله ناجوانمردانه ناوهای ببر و پلنگ را در اروندرود غرق کردند (گروه مؤلفین دافوس آجا، ۱۳۹۱:۳۷).

۵. بایندر و مقابله با تهاجم متفقین

با شنیدن صدای انفجار، غلامعلی بایندر به سرعت از منزل خارج شد و با استفاده از قایق موتوری و زیر آتش مسلسل نیروهای مهاجم انگلیسی، خود را به مقر فرماندهی رساند و پس از صدور دستورات لازم به افسران ستاد و فرماندهان، به تلگراف‌خانه رفت و گزارش وقایع و هجوم نیروهای انگلیسی را به تهران و اهواز مخابره نمود (انوشیروان، ۱۳۷۸: ۳۶). وی در دیدارش از مقر فرماندهی نیروی دریایی، ناخدا سوم نقدی رئیس ستاد نیروی دریایی را احضار و افسران و افراد را به دور خود جمع کرد و با نطق‌های آتشین آن‌ها را برای هرگونه فداکاری آماده نمود (خلیلی، ۱۳۲۳: ۱۲۳).

با توجه به اینکه از دو روز قبل فرماندهی همه پادگان‌ها و تیپ مستقل مرزی و فراتی با حدود ۴۰۰۰ نفر را بر عهده گرفته بود (رسایی، ۱۳۵۴: ۴۵۵)، با حضور در قرارگاه گردان مرزی عده‌ای را مأمور مقاومت در برابر مهاجمین کرد؛ و خود که مسلح به یک قبضه تفنگ برنو بود به اتفاق سروان ولی‌الله مکرئی‌نژاد که معاون فرمانده گردان یکم هنگ ۸ توپخانه بود با اتومبیل و از راه خشکی عازم خرمشهر شد؛ تا ستاد فرماندهی عملیات را در منطقه حفار - که از لحاظ نظامی موقعیت مناسبی داشت و بیش از ۲ قبضه توپ ۱۰۵ م.م و گروهی سرباز در آنجا مستقر بود - تشکیل دهد (خلفی، ۱۳۹۴: ۹۵-۹۷). در بازدید از گردان مرزی به فرمانده گردان سروان عبدی و فرماندهان سه گروهان زیر مجموعه آن تذکرات لازم را برای مقابله با دشمن مهاجم ارائه کرد (جهان‌فر، ۱۳۹۷: ۱۶۰-۱۶۱).



در بازدید از گردان مرزی غلامعلی بایندر به فرمانده گردان سروان عبدی دستور داد که گردان را به دو دسته تقسیم کند؛ عده‌ای را برای دفاع بگذراد و تعداد دیگر از راه خرمشهر به حفار بروند. چون حفار دارای شرایط ویژه جغرافیایی بود که مقاومت در آن محل بهتر از سایر نقاط بود؛ و محل انشعاب رودهای کارون و بهمن شیر بود، بایندر در نظر داشت محل فرماندهی ستاد تیپ را در حفار تشکیل دهد. همچنین وجود دو عراده توپ ۱۰۵ میلی متری و تعدادی سرباز در حفار و موقعیت خاص جغرافیایی، حفار را به

بهترین محل برای مقاومت مبدل کرده بود (میریکنگیان، ۱۳۸۴: ۴۱۸؛ خلیلی، ۱۳۲۳: ۱۲۴). ولی نتیجه مورد نظر بایندر حاصل نشد؛ زیرا پس از خروج بایندر از گردان مرزی، سروان عبدی به اسارات انگلیسی‌ها درآمد. کارکنان تحت امرش نیز چنین رویه‌ای در پیش گرفتند.^۳ شایان ذکر است ارتش هر کشور دارای ویژگی‌های مردم همان کشور است، زیرا کارکنان آن ارتش برخاسته از میان مردم همان کشورند. در میان مردم هر کشور و در میان هر قشر و طبقه‌ای افرادی با اندیشه و رفتارها و کنش‌های خوب و متعالی وجود دارند؛ و در مقابل، افرادی نیز با ویژگی‌های متضاد و نامناسب وجود دارند. بنابراین وجود چند فرد سست عنصر در میان افراد ارتش ایران مسئله عجیبی نیست. به‌عنوان مثال به‌رغم آن‌که غلامعلی بایندر در بازدید از گردان مرزی فرمانده گردان و فرماندهان گروهان را دور هم جمع کرد و آن‌ها را به مقاومت در برابر دشمن تشویق کرد، مقاومتی مشاهده نشد. البته در میان فرماندهان گردان مرزی، افرادی وجود داشتند که صلاحیت اخلاقی برای مرزبانی وطن را نداشتند و شاید برای تبعید در آن‌جا به سر می‌بردند. به‌عنوان مثال یکی از فرماندهان گردان مرزی دارای سابقه اخذ رشوه از سربازان و... بود. این فرد نیز نتوانست به‌خوبی از عهده وظایفش برآید (امتاجا، ش ۵۵، ک، ۱۸۴۱-۶: ۷۸).

چند دقیقه بعد از حرکت، بایندر و مکری‌نژاد با نیروهای موتوریزه مهاجمین انگلیسی مواجه شدند و تغییر مسیر آنها منجر به رهایی از محاصره انگلیسی‌ها نشد. اما بایندر با تیراندازی در حال حرکت و رعایت تاکتیک مناسب، از اسارت خود جلوگیری کرد؛ زیرا می‌دانست اسارتش به دست انگلیسی‌ها عزت و غرور سربازان ایرانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ادامه مقاومت نیز به شهادتش می‌انجامد. مهاجمین انگلیسی دریادار بایندر را شناسایی کرده بودند و سعی در زنده دستگیر کردن وی داشتند. در حین مقاومت و جنگ و گریز با آنان و در شرایطی که تلاش می‌کردند با استفاده از پستی و بلندی‌های منطقه خود را به نهر جاسبی برسانند، با رگبار مسلسل متجاوزان انگلیسی به شهادت رسیدند. این درگیری‌ها در حوالی پاسگاهی نزدیک بی‌سیم خرمشهر رخ داد (جهانفر، ۱۳۹۷: ۱۶۳).

راننده شهید غلامعلی بایندر آخرین فردی است که شاهد و همراه وی در آخرین ساعات عمر بود. روایت این فرد از آخرین ساعات عمر و نحوه شهادت غلامعلی این‌گونه است: «روز یک‌شنبه دوم شهریور ۱۳۲۰ ه.ش تیمسار دریادار بایندر ساعت ۵/۵ بعدازظهر [ساعت ۱۷:۳۰] به اتفاق سرهنگ نخجوان و سرهنگ معصومی فرمانده تیپ و فرمانده هنگ از راه شط العرب به آبادان رفته و در اسکله مرغابی پیاده می‌شود. ساعت ۳ بعد از نصف شب سوم شهریور ۱۳۲۰ اتومبیل را به آن طرف کارون [بردم] و هنوز ماشین از محیله پیاده نشده بود که به کشتی ببر (ر.ک: بی‌نا، ۱۳۵۲: ۴-۶) تیراندازی کردند. [تیمسار] فوری سوار اتومبیل شده و مستقیماً به پل نو آمده مدتی با سروان عبدی فرمانده گردان پل نو صحبت کردند... از ژست و حرکات فهمیدم که دستور داده‌اند مقاومت شود. تقریباً حدود ساعت شش روز سوم شهریور ۱۳۲۰ در یک فرسخی بچار، به تعدادی زره‌پوش حامل نیروهای انگلیسی برخوردیم. آنها به محض دیدن ما فوری شروع به تیراندازی کردند. تیمسار یک تفنگ برنو همراه داشت و سروان مکری‌نژاد یک پارابلوم. سربازان انگلیسی نیز در همین موقع آنها را تعقیب و شروع به تیراندازی نمودند. تیمسار هم دو تیر خالی کرد و سروان مکری‌نژاد نیز تیراندازی می‌کرد. بالاخره در فاصله صد متری اتومبیل تیری به پای تیمسار خورده و افتاد. ولی فوری برخاست و با کمک سروان مکری‌نژاد دوباره به راه افتادند. بلافاصله در زیر آتش مسلسل انگلیسی‌ها که آنها را تعقیب می‌کردند، قرار گرفته و هر

^۳ برابر منابع موجود دریادار غلامعلی بایندر در آن روز به سروان عبدی دستور مقاومت داده و ضمناً پیش‌بینی کرده بود که چنانچه قادر به مقاومت نشد به صورت منظم عقب‌نشینی کند و از هرج‌ومرج و فرار جلوگیری نماید. هنوز خودرو غلامعلی بایندر چند قدم دورتر نشده بود که دستان سروان عبدی به همراه دستمال سفید به علامت تسلیم بالا رفت و کارکنان تحت امرش نیز از وی به همین صورت پیروی کردند (خلیلی، ۱۳۲۳: ۱۲۱).

دو به زمین افتادند. در این موقع انگلیسی‌ها دست از تیراندازی برداشته و به سمت نعلش تیمسار [غلامعلی بایندر] و سروان مکری-نژاد روانه گشتند. نعلش تیمسار و سروان مکری‌نژاد را به یکی از اتاق‌های بی‌سیم برده و در نزدیکی نعلش چهار نگهبان قرار دادند...» (مراسان، ۱۳۲۰، ک ۱۲۰۴۱-۳، پ ۱۴۶: ۶)

۶. واکاوی دلایل شکست نیروی دریایی ایران در برابر متفقین

در بررسی اسناد، مدارک و منابع تاریخی درباره‌ی نیروی دریایی ایران و تجزیه و تحلیل عملکرد متفقین و همچنین نیروی دریایی ایران موارد زیر به‌عنوان برخی دلایل اصلی شکست نیروی دریایی ایران در برابر متفقین قابل توجه است.

- قطع ارتباط

«ارتباطات» مسئله‌ای مهم برای کسب و یا تداوم موفقیت در هر سازمان نظامی است. «ارتباط» به‌عنوان یکی از اجزای مهم «فرماندهی و کنترل» در صحنه نبرد محسوب می‌شود. سازمان نظامی بدون ارتباط، سازمانی از پیش شکست خورده محسوب می‌شود. شکست نظامی در برابر انگلیسی‌ها در جنوب نیز دلایل مختلفی داشت. یکی از مهم‌ترین دلایل آن قطع ارتباط بود. در واقع قطع ارتباط منجر به فروپاشی فرماندهی نیروهای ایرانی شد (رستمی، ۱۳۸۶: ۶۸). به محض شروع حمله انگلیسی‌ها برق آبادان قطع شد و تلفن‌های پادگان‌ها که از سیم‌های شرکت نفت استفاده می‌کرد از کار بازماند. به همین دلیل کلیه ارتباط به یک‌باره قطع شد و به دست عوامل بیگانه، تمام سیم‌های تلفنی که به سمت هنگ می‌آمد، بریده شد؛ و همین مسئله عامل فروپاشی ساختاری نیروهای مقاوم در برابر انگلیسی‌ها شد (خلیلی، ۱۳۲۳: ۶۱).

- ضعف در تعمیر و نگهداری

یکی دیگر از دلایل شکست نیروی دریایی در برابر انگلیسی‌ها ضعف در تعمیر و نگهداری تجهیزات نیروی دریایی بود. کاهش توان رزمی نیروی دریایی به دلیل ضعف در تعمیر و نگهداری غیرقابل انکار است. در آن سال‌ها اکثر ناوهای ایران برای تعمیر سالیانه به کشور ایتالیا فرستاده می‌شدند. ولی به دلیل وقوع جنگ جهانی دوم، حدود ۲ سال بود که امکان ارسال قطعات و تجهیزات دریایی به ایتالیا و فراتر از آن حتی امکان آوردن وسایل مورد نیاز برای تعمیر این ناوها وجود نداشت. انجام نشدن تعمیر و نگهداری برای ناوهایی که ۱۲ سال از عمر خدمتی‌شان می‌گذشت، ضربه بزرگی محسوب می‌شد (رستمی، ۱۳۸۶: ۲۷۲ و ۸۶۴)؛ لذا قدرت و کاربرد نظامی آنها بسیار پایین آمده بود. به همین دلیل ناوهای «شهباز» و «سیمرخ» در لنگرگاه بندر شاهپور در کنار یکدیگر پهلو گرفته و در حقیقت به یکدیگر متصل شده بودند (رسانی، ۱۳۵۴: ۴۵۰-۴۵۱).

- عدم تقارن در برابر متفقین

شمار نیروها و تجهیزات نظامی نیروهای ایرانی در برابر متفقین تفاوت محسوسی داشت. این تفاوت نبردی نامتقارن را بین نیروهای ایرانی و متفقین رقم زد. پیش از این نبرد نابرابر، یکی از فرماندهان نیروی دریایی انگلیس در مقایسه نیروی دریایی انگلیس و ایران نوشته بود: «نسبت نیروی دریایی انگلیس و نیروی دریایی ایران مانند فیلی است در مقام مقایسه با یک پشه. اگر این پشه وارد خرطوم فیل شود درست است که او را نخواهد کشت ولی او را خواهد آزرده» (رسانی، ۱۳۵۴: ۴۴۸).

- غافل‌گیری و عدم پیش‌بینی زمان دقیق حمله

ناوگان دریایی ایران در شمال و جنوب با حمله غافلگیرانه متفقین مواجه شد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۴۸: ش ۶۴۶۹). اگرچه

پیش از حمله، سیاسیون متفقین و ایران تا حدی از این حمله مطلع بودند، زمان کافی برای ابلاغ دانسته‌های سیاسیون به نیروهای لبه جلویی منطقه نبرد و سرپنجه‌ها وجود نداشت. ضعف ارتباط نیز در این غافلگیری مؤثر بود. از سوی گزارشات صادره توسط لشکر شمال غرب در ایام پیش از شروع جنگ، خبر از وقوع یک نبرد احتمالی داشت. ولی عدم وجود شبکه ارتباطی منسجم در درون نیروهای نظامی برای اطلاع‌رسانی به سایر نیروهای مرزبان و سرپنجه‌ها منجر به غافلگیری منجر به فرار از صحنه نبرد در نیروی دریایی نشد؛ نیرویی که در میان شهدای آن در تجاوز متفقین به ایران از سرباز تا بالاترین رده یعنی فرمانده وجود داشت و صدها شهید از این مقاومت بر جای ماند (امتاج، ش ۷۶، ک، ۵۵-۱۰۰۳: ۸؛ ماعا، ۱۳۲۰، ش ۲۱، ک ۱۰۱-۸۷: ۸).

نتیجه‌گیری

در دوره پهلوی با توجه به اینکه برای اولین بار یک نیروی دریایی نوین شکل گرفته بود و تلاش‌های غلامعلی بایندر برای تسلط بر خلیج فارس و تقویت حاکمیت ایران بر اروندرود تثبیت شده بود، حمله متفقین در شهریور ۱۳۲۰ ه.ش با وجود اعلام بی‌طرفی ایران، تمامی معادلات سیاسی و نظامی ایران را برهم زد. در این میان برادران بایندر در شمال و جنوب ایران با تقویت نیروی دریایی ایران سعی در مقابله با حملات متفقین کردند. غلامعلی بایندر با حضور در مقر فرماندهی نیروی دریایی، رؤسای ستاد نیروی دریایی را احضار و افسران و افراد را به دور خود جمع کرد و آن‌ها را به مقاومت در برابر دشمن تشویق کرد؛ اما وجود افراد سست-عصر در میان افراد ارتش ایران و عدم تمایل آنان به جنگ، زمینه‌ی شکست نیروی دریایی ایران و شهادت برادران بایندر را فراهم نمود. چنانچه بیشتر شناورهای نیروی دریایی جنوب از جمله ناوهای بزرگ و پلنگ، در مواجهه با نیروی دریایی انگلیس نابود و غرق شد و تعدادی از کشتی‌های جنگی نیز توسط انگلیسی‌ها به غنیمت گرفته شد. در شمال نیز مهاجمین شوروی با شکست دادن نیروی دریایی ایران بیشتر شناورها را به‌عنوان غنیمت به بنادر خود در شمال دریای مازندران منتقل کردند و تا سال‌ها بعد از تحویل به ایران امتناع ورزیدند. در این میان، دلایل مختلفی بر شکست نیروی دریایی ایران در برابر متفقین تأثیرگذار بود که عبارتند از: قطع ارتباط بین تمامی نیروها به طوری که کلیه سیم‌های تلفن و برق توسط نیروهای متفقین قطع شده بود و همین مسئله عامل فروپاشی ساختاری نیروهای مقاوم در برابر انگلیسی‌ها شد؛ ضعف در تعمیر و نگهداری تجهیزات نیروی دریایی و فرسوده بودن کشتی‌های جنگی ایران؛ تفاوت فاحش بین تجهیزات جنگی و انسانی متفقین در برابر نیروی دریایی ایران؛ مشخص نبودن زمان دقیق حمله و غافل‌گیری نیروی دریایی ایران.

منابع

کتاب:

- انوشیروان، حسین، (۱۳۷۸)، *کودتای نافرجام*، تهران: بی‌نا.
- بایندر، غلامعلی، (۱۳۸۸)، *خلیج فارس*، با یادداشت کاوه بیات، تهران: نشر بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- بهار، محمدتقی، (۱۳۷۱)، *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران: انقراض قاجاریه*، تهران: نشر امیرکبیر.
- بهارلو، عباس، (۱۳۴۴)، *خرمشهر*، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- بی‌نا، (۱۳۵۲)، *ناوشکن شاهنشاهی ببر؛ برنامه مراسم ورود به خدمت*، پنسیلوانیا (آمریکا): کارخانجات پایگاه دریایی فیلادلفیا.

- بی نا، (۱۳۸۰)، روابط ایران و عراق به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- جهان‌فر، رضا، (۱۳۹۷)، بایندر؛ زندگی و عملکرد شهید دریابان غلامعلی بایندر، تهران: نشر دفتر پژوهش‌های نظری و مطالعات راهبردی نداجا.
- خلفی، یاسر، (۱۳۹۴)، دو هزار سال تاریخ خرمشهر؛ از خاراکس تا برآمدن آلبوجاسب (۳۲۶ ق.م - ۱۸۵۷م)، خرمشهر: نشر اثرآفرین.
- خلیلی، رضا، (۱۳۲۳)، وقایع شهریور؛ تاریخ شهدای ایران، تهران: نشر زربخش.
- رسائی، فرج‌الله، (۱۳۵۴)، ۲۵۰۰ سال بر روی دریاها، تهران: ستاد فرماندهی نیروی دریایی.
- رستمی، محمود، (۱۳۸۶)، فرهنگ واژه‌های نظامی، تهران: نشر ایران سبز، چاپ دوم.
- عاقلی، باقر، (۱۳۷۷)، رضاشاه و قشون متحدالشکل، تهران: نامک.
- فقیهی، محمدرضا، (۱۳۸۹)، تاریخ پنج‌هزار ساله قدرت دریایی ایران، تهران: نشر عیلام.
- قدیمی، ذبیح‌الله، (۱۳۲۶)، تاریخ ۲۵ ساله ارتش شاهنشاهی ایران، تهران: اداره سالنامه آریان.
- کاظمی، محمد و منوچهر البرز، (۱۳۵۴)، تاریخ پنجاه ساله نیروی زمینی شاهنشاهی ایران، تهران: بی نا.
- گروه مولفین تاریخ دفاع مقدس هوایی، (۱۳۹۳)، تاریخ نبردهای هوایی دفاع مقدس، جلد ۱، تهران: نشر مرکز انتشارات راهبردی نهاجا، چاپ اول.
- مستوفی، عبدالله، (۱۳۸۴)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار، ج ۳، تهران: نشر زوار.
- میر یکرنگیان، حسین، (۱۳۸۴)، سیری در تاریخ ارتش ایران از آغاز تا پایان شهریور ۱۳۲۰، تهران: خجسته.
- مکی، حسین، (۱۳۵۹)، تاریخ بیست‌ساله ایران، جلد ۱ و ۶، تهران: نشر امیرکبیر.
- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، (۱۳۹۸)، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: پیکان.
- نوری، مصطفی، (۱۳۹۴)، روزگار بی‌قراری؛ مازندران و گرگان در اشغال ارتش سرخ (۱۳۲۰-۱۳۲۵)، تهران: نشر سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول.
- وزارت جنگ (ستاد ارتش)، (۱۳۱۸)، آیین نامه لباس ارتش شاهنشاهی ایران، ج ۱، تهران: چاپخانه ارتش.
- یوسفی، محمد، (بی تا)، پیوستگاه کارون و اروندرود یا تاریخ خرمشهر، بی نا: بی جا.
- یغمایی، اقبال، (۱۳۵۵)، کارنامه رضاشاه کبیر، تهران: اداره کل و نگارش وزارت فرهنگ و هنر.

مقالات:

- بهمنی قاجار، محمدعلی، (۱۳۸۸)، «نقش نیروی دریایی و بایندر در اخراج انگلیسی‌ها از هنگام و باسعیدو»، فصلنامه مطالعات تاریخی، زمستان، ش ۲۷.
- بیات، کاوه، (۱۳۹۴)، «میهن به روایت غلامعلی بایندر؛ خلیج ایرانی فارس»، روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۲۳ دی ۱۳۹۴، ش ۲۶۳۵۰.
- تاج عینی، مریم، (۱۳۸۵)، «ایران و جنگ جهانی دوم»، ماهنامه زمانه، س ۵، ش ۵۲.

- جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۹۲)، «نقش قدرت‌های بزرگ در تحدید مرزهای ایران و عراق»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، س ۱۴، پاییز، ش ۵۶.
- جهانفر، رضا و کرمی، فهیمه، (۱۳۹۸)، «زندگی و عملکرد دریابان غلامعلی بایندر و مقاومت او در برابر تجاوز بیگانگان در جنگ بین الملل دوم»، فصلنامه مطالعات تاریخی، س ۱۷، تابستان، ش ۶۵.
- مریوانی، محمد و رحمانی فلاح، سجاد، (۱۴۰۰)، «بررسی عملکرد دریادار غلامعلی بایندر در تقابل با انگلیسی‌ها»، فصلنامه تاریخ اندیش، س ۳، بهار، ش ۹.

نشریات:

- روزنامه اطلاعات، ش ۱۲۸۷۷، اردیبهشت ۱۳۴۸.
- روزنامه اطلاعات، ش ۲۰۰۱، ۲۸ شهریور، ۱۳۱۲.
- روزنامه اطلاعات، ش ۴۵، ۳ شهریور، ۱۳۴۸.
- مجله «قشون»، شماره ۶، ۱۳۰۱.
- مجله خواندنی‌ها، شماره ۲۶، آذر ۱۳۵۳.

اسناد:

- اسناد مرکز اسناد عقیدتی سیاسی ارتش: پرونده خدمتی دریابان شهید غلامعلی بایندر (معا)، ۱۳۲۰، شماره بازیابی ۸۷، شماره سربرگه ۳۳، کد پرونده، ۵-۵۴۴، سند شماره ۶۹.
- اسناد مرکز مطالعات، تحقیقات و تدوین آیین‌نامه‌های رزمی نیروی دریای ارتش جمهوری اسلامی ایران (امتاجا)، ۱۳۲۰، شماره بازیابی ۷۶، شماره سربرگه ۳۲، کد پرونده، ۵۵-۱۰۰۳، سند شماره ۸.
- آرشیو سازمان اسناد انقلاب اسلامی ایران (مراسان)، خاطرات دریابان رسایی در مورد شهریور ۱۳۲۰، شماره بازیابی ۳۳، شماره کاربرگه ۳، کد پرونده، ۳-۱۲۰۴۱، سند شماره ۱۴۶.
- آرشیو سازمان اسناد انقلاب اسلامی ایران (مراسان)، خاطرات ناو سروان فزونی، ۱۳۲۶، شماره بازیابی ۳۴، شماره کاربرگه ۴.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دهم، جلسه چهل و سوم، ۲۶ بهمن ۱۳۱۵.